

# دوره رونق اقتصاد ایران شروع شده است

اشاره:

اقتصادهای مبتنی بر بازار، همواره با دوره‌های رونق و رکود مواجه می‌باشند. در دوران رکود اقتصادی، معمولاً بیکاری گسترش می‌یابد. فعالیت‌های اقتصادی، سودآوری لازم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید را ندارد و اقشار مختلف مردم با فشارهای مالی روبه‌رو می‌گردند.

برخلاف آن، در دوران رونق اقتصادی، فرصت‌های اشتغال جدید همزمان با رونق سرمایه‌گذاری‌ها ایجاد می‌شود و درآمدهای مردم افزایش یافته و از رفاه بیشتری برخوردار می‌شوند. از این رو سیاست‌گذاران اقتصادی همواره تلاش می‌کنند که دوره‌های رونق اقتصادی را تداوم و دوره‌های رکود را تا حد ممکن کوتاه‌مدت سازند و نیز از گسترش بحران به دیگر مناطق جلوگیری کنند. این در حالی است که با جهانی شدن اقتصاد، سرایت این بحران‌ها به دیگر جوامع، سریع‌تر می‌شود.

پدیده دیگری که در دهه‌های اخیر اقتصاد مبتنی بر بازار با آن روبه‌رو شده، رکود تورمی است. در این شرایط ضمن کساد فعالیت‌های اقتصادی، قیمت‌ها سیر صعودی دارند و فشارهای وارده بر اقشار مختلف مردم به ویژه بیکاران تشدید می‌گردد.

پیش از این، سیاست‌گذاران اقتصادی اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب را از راه‌های پیشگیری و مقابله با دوران‌های رکود اقتصادی می‌دانستند. اما با جهانی شدن اقتصاد، تنها سیاست‌های درون‌مرزی کافی نیست و از این رو همکاری، همیاری و هماهنگی بین‌المللی برای رویارویی با بحران‌های اقتصادی ضروری است.

برآورد رکود و رونق اقتصادی نیز در جوامع پیشرفته و در حال توسعه، تا حدودی نسبی است. معمولاً رشد اقتصادی در حدود ۲ درصد نیز در پاره‌ای از جوامع، رکود محسوب می‌شود. در حالی که تعریف واقعی رکود، افت ارزش تولید ناخالص داخلی یا به عبارتی رشد منفی اقتصادی است. در خصوص رونق نیز رشد حدود ۳ درصد و بیش از آن در جوامع صنعتی، رونق محسوب می‌شود. در حالی که این میزان رشد برای جوامع در حال توسعه کافی به نظر نمی‌رسد.

با این پیش‌زمینه، قصد داریم موقعیت اقتصادی ایران را مورد ارزیابی قرار دهیم. آیا واقعاً اقتصاد ایران در رکود به سر می‌برد.

خصوص ذخیره‌سازی راهبردی نفت اتخاذ کردند، این ابزار کارآیی خود را تا حدود زیادی از دست داده است و راهکارهایی مانند تحریم نفتی کشورها، دیگر مانند گذشته کاربرد ندارد. در دو دهه گذشته، سیاست‌های

کشور به درآمدهای نفتی، افت و خیزهای بسیاری را برای آن پیش آورده است. تا دو دهه پیش، «نفت» ابزار فشار سیاسی - اقتصادی کشورهای صادرکننده آن بود. اما از دهه ۱۹۷۰ که کشورهای مصرف‌کننده، سیاست‌های جدیدی در

اقتصاد ایران با توجه به وابستگی شدید به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام، نه تنها تحت تأثیر عوامل داخلی، بلکه عوامل خارجی نیز قرار دارد. در نیم قرن اخیر، وابستگی اقتصاد

کشورهای مصرف‌کننده و همکاری آنها در قالب آژانس بین‌المللی انرژی، به‌ویژه در خصوص ذخیره‌سازی نفت، کشورهای صادرکننده نفت را تحت‌تأثیر قرار داده است، تا حدودی که حتی تنظیم بازار نفت و قیمت آن نیز از کنترل آنها خارج شده است.

صرف‌نظر از فشارهای کشورهای عمده صادرکننده نفت و به‌ویژه آمریکا در خصوص تنظیم قیمت نفت در بازارهای جهانی بر کشورهای صادرکننده شریک تجاری عمده آنها، وجود ذخایر عظیم راهبردی نفت در کشورهای مصرف‌کننده، ابرزاری کارآمد برای کشورهای مصرف‌کننده به حساب می‌آید که می‌توانند قیمت‌های نفت را تا حدودی کنترل کنند.

البته راهکارهای اتخاذ شده از سوی کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک نیز در نوسانات قیمت نفت بی‌تأثیر نبوده است، اما در دو سال گذشته سیاست‌های اوپک توانسته است تا حدودی قدرت و کنترل این سازمان بر بازار جهانی نفت را تقویت کند. اما این موضوع که سهم اوپک در عرضه جهانی نفت در سه دهه اخیر کاهش یافته و تولید نفت در کشورهای عضو این سازمان فزونی گرفته، قابل توجه و تعمق است.

کارشناسان عقیده دارند که با وجود دو سوم ذخایر اثبات شده نفت در کشورهای عضو اوپک، در قرن بیست‌ویکم، اوپک سهم بیشتری در عرضه جهانی نفت خواهد داشت و اعضای خاورمیانه‌ای آن به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، می‌توانند از طریق همفکری و همکاری و یکپارچگی در تصمیم‌سازی و اجرا، بازار انرژی جهان را در اختیار داشته باشند.

ایران نیز که عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است، برای

حفظ منافع اقتصادی و تداوم بخشیدن به روند توسعه اقتصادی، می‌بایستی نقش فعالی در اوپک ایفا کند تا با یاری و یکپارچگی دیگر اعضا بتواند در حفظ ثبات بازار نفت و دستیابی به درآمدهای قابل اعتماد کوشا باشد.

از آنجا که هنوز بیش از دو سوم درآمدهای ارزی ایران از صادرات نفت تأمین می‌شود، بازار و قیمت نفت در روند رونق یا رکود اقتصادی کشور، نقش مهمی دارد.

آمارهای منتشره حاکی از آن است که رونق بازار نفت و افزایش قیمت در دو سال اخیر، به رشد اقتصادی ایران کمک بسزایی داشته است. چنانچه کارشناسان بانک مرکزی با اشاره به بیش از ۱۰ میلیارد دلار درآمد اضافی نفت در سال جاری (نسبت به پیش‌بینی بودجه ۱۳۷۹)، عقیده دارند که رشد اقتصادی ایران در سال جاری به ۵ تا ۵/۲ درصد خواهد رسید. این میزان رشد نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در حال حاضر به هیچ‌وجه در رکود به‌سر نمی‌برد.

این در حالی است که با افت قیمت‌های نفت در دو سال گذشته، رشد تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت عوامل و بر مبنای قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ از ۴/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳/۱ درصد در سال ۱۳۷۶ و سپس به ۲/۱ درصد در سال ۱۳۷۷ افت کرد.

بر اساس آمارهای منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۸ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی به ۲/۴ درصد رسید که اندکی بیش از سال ۱۳۷۷ بود. با وجود آنکه تولید نفت ایران طی همین مدت از تغییرات جزئی برخوردار بوده که در صادرات نیز اثرگذارده است، قیمت‌های نفت خام در بازارهای جهانی تأثیر مستقیم بر رشد اقتصادی کشور داشته است.

گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد که

میانگین تولید نفت ایران از ۳/۶۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۷۵ به روزانه ۳/۶۲۳ میلیون بشکه در سال ۱۳۷۶ و سپس به روزانه ۳/۶۶۶ میلیون بشکه در سال ۱۳۷۷ افزایش یافت. اما در سال ۱۳۷۸ به ۳/۳۷۳ میلیون بشکه در روز افت کرد که مطابق با تصمیمات اوپک در این دوره بوده است.

میزان صادرات نفت نیز در همین دوره از روزانه ۲/۵۵۱ میلیون بشکه در سال ۱۳۷۵ به ۲/۴۹۶ میلیون بشکه در سال ۱۳۷۶ کاهش یافت. میانگین صادرات روزانه نفت خام ایران از ۲/۳۳۳ میلیون بشکه در سال ۱۳۷۷ به ۲/۲۰۵ میلیون بشکه در سال ۱۳۷۸ (با ۵/۵ درصد افت) تنزل یافت.

میانگین تولید و صادرات روزانه نفت خام ایران در سه‌ماهه اول سال جاری، به ترتیب ۳/۶۳۷ و ۲/۵۰۱ میلیون بشکه و در سه‌ماهه دوم همین سال ۳/۷۳۹ و ۲/۶۲۷ میلیون بشکه در روز ثبت شده است.

اثر مستقیم بخش نفت در اقتصاد ایران غیرقابل انکار است و کماکان وابستگی و اتکاء زیاد اقتصاد ملی به نفت وجود دارد. به همین دلیل دوران‌های رکود و رونق اقتصاد کشور با رکود و رونق بازارهای جهانی نفت همسو و هم‌جهت است و از آنجا که بازار نفت در دو سال اخیر رونق قابل ملاحظه‌ای داشته و سیر تقاضا و قیمت‌ها در آن صعودی بوده است، همین تأثیر را می‌توان در رشد اقتصاد ایران به وضوح مشاهده کرد.

البته ذکر این نکته ضروری است، اثرات بیرونی بر اقتصاد ایران با اندکی فاصله زمانی در بخش‌های دیگر اقتصاد ملی قابل لمس می‌باشد. ارقام ارایه شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد که ارزش افزوده بخش‌های غیرنفتی ایران در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ماقبل ۵/۳ درصد افزایش داشت که از رشد ۱/۹

را به دنبال دارد، جلوگیری به عمل آید. ارزش افزوده بخش نفت به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ در سال ۱۳۷۸ به ۲۳۸۶/۳ میلیارد ریال و ارزش تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت عوامل در همین سال ۱۷۴۵۵/۱ میلیارد ریال بود.

کارشناسان عقیده دارند که اقتصاد ایران با رشد ۲/۴ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال گذشته، از رشد اندکی برخوردار بوده، زیرا نرخ‌های رشد کمتر از ۵ درصد در سال برای اقتصاد در حال توسعه کشور، نرخ‌های مناسبی نمی‌باشند و از این جهت شماری از کارشناسان، اوضاع اقتصادی سال گذشته را رکودی ارزیابی می‌کنند.

با این وصف، اقتصاد ایران در سال جاری از رکود خارج شده و به تدریج وارد دوران رونق خواهد شد، زیرا انتظار می‌رود رشد اقتصاد ملی در سال جاری به بیش از ۵ درصد برسد.

مسئولان اقتصادی کشور به ویژه مسئولان بانک مرکزی رشد اقتصاد کشور در سال جاری را بیش از ۵ درصد و تا حدود ۵/۲ درصد پیش‌بینی کرده‌اند. چنانچه این پیش‌بینی‌ها تحقق یابد که البته آثار آن تا حدودی در بازار کالاها و خدمات قابل مشاهده و لمس است، دوران رونق اقتصادی شروع شده و لذا تلاش برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران می‌بایست به طولانی کردن دوره آن منعطف گردد.

با وجود شواهدی که از افت قیمت نفت در بازارهای جهانی به ویژه در سه‌ماهه چهارم سال جاری مشهود خواهد بود، تداوم رونق چندان سهل نیست، بلکه متضمن تلاش در جهت بهبودبخشی به بازار نفت، بهره‌گیری مناسب از مازاد درآمدهای تسفیتی در بخش سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا و رونق درآمدهای ارزی غیرنفتی می‌باشد.

درصدی در سال گذشته مواجه شد. با رفع بحران خشکسالی به نظر می‌رسد که ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال جاری بار دیگر با رشد به نسبت مطلوبی مواجه شود.

کارشناسان با توجه به سهم بخش نفت در تولید ناخالص داخلی، عقیده دارند که آثار رونق و رکود بازار نفت بر اقتصاد ایران، به لحاظ وابستگی نیازهای ارزی کشور به ارز حاصل از صادرات و در واقع وابستگی تأمین نیازهای ارزی بخش‌های مختلف اقتصادی به ارز حاصل از صادرات نفت، بیش از آنچه که باید باشد، متظاهر می‌شود.

این کارشناسان عقیده دارند که بر اساس آمارهای منتشره از سوی بانک مرکزی، سهم نفت در تولید ناخالص داخلی حدود ۱۴ درصد در سال ۱۳۷۸ بود و در سال‌های قبل نیز همواره در حدود ۲۰ درصد بوده است. لذا نمی‌بایست آثار رونق و رکود بازار نفت تا این حد در رشد بخش‌های غیرنفتی اثرگذار باشد و این امر نشان می‌دهد که تولید در بخش‌های دیگر، اولاً به شدت به تقاضای بازار داخلی بستگی دارد که متأثر از درآمدهای ارزی و ریالی یا توان خرید مصرف‌کنندگان است و ثانیاً وابستگی نیازهای ارزی بخش غیرنفتی به درآمد نفت، تأثیر بازار نفت بر فعالیت دیگر بخش‌ها را موجب می‌شود.

کارشناسان عقیده دارند که برای ساماندهی اقتصاد کشور و گذر از بحران‌های ناشی از وضعیت متغیر بازار نفت، ضرورت دارد که فرآیند توسعه اقتصادی ایران با توسعه صادرات غیرنفتی عجین گردد تا با اتکا به ارز حاصل از این صادرات، اولاً بخش‌های غیرنفتی از استقلال عمل بیشتری برخوردار شوند و در ضمن از محدودیت تقاضای داخلی که خواه و ناخواه رکود تقاضا برای تولیدات بخش‌های غیرنفتی

درصدی ارزش بخش نفت در همین سال به مراتب بیشتر بود. رشد بخش غیرنفتی در سال ۱۳۷۶ به ۴/۷ درصد و در سال ۱۳۷۷ به میزان ۲/۶ درصد ثبت شد. افت نرخ رشد در بخش غیرنفتی در سال‌های ۷۶ و ۷۷ در شرایطی است که در بخش نفت شاهد کاهش ارزش افزوده می‌باشیم. همان‌گونه که اشاره شد، ارزش افزوده بخش نفت در سال ۷۶ به میزان ۵/۳ درصد و در سال ۷۷ به میزان ۰/۸ درصد تنزل داشت.

بر اساس همین آمار، رشد ارزش افزوده بخش غیرنفتی در سال گذشته به ۳/۲ درصد رسید و این امر علی‌رغم کاهش ۰/۳ درصدی ارزش افزوده بخش کشاورزی بر اثر بروز خشکسالی، رخ داد که گواه بر خروج نسبی اقتصاد کشور از رشد اندک اقتصادی است که به تعبیر برخی کارشناسان، رکود محسوب شده است.

اما نقطه امیدوارکننده در روند اقتصاد ایران، رونق بخش ساختمان در سال گذشته بود. ارزش افزوده بخش ساختمان پس از افت ۳/۱ درصدی در سال ۱۳۷۶ و ۱۰/۶ درصدی سال ۱۳۷۷، در سال گذشته با ۱۲ درصد رشد روبه‌رو شد. این رشد بر رونق تقاضا برای محصولات صنعتی و معدنی اثر داشته و موجب گردید که ارزش افزوده بخش صنایع و معادن در سال گذشته ۴/۴ درصد ترقی کند. در حالی که در سال ۷۷ فقط از ۰/۱ درصد رشد برخوردار بود.

بخش خدمات نیز با رونق معاملات و تجارت، آثار رونق را مشاهده کرد و ارزش افزوده این بخش پس از افت ۰/۲ درصدی سال ۷۷، در سال گذشته با رشد ۴/۳ درصد روبه‌رو بود.

در بخش کشاورزی، خشکسالی آثار نامطلوبی را هویدا ساخت، به طوری که رشد ۹/۵ درصدی ارزش افزوده این بخش در سال ۱۳۷۷ با افت ۰/۳

ریس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز در مجمع عمومی بانک‌ها که در اواسط دی‌ماه برگزار شد، ضمن تشریح وضعیت اقتصاد کلان کشور در سال ۱۳۷۸ گفت: در ماه‌های اول سال ۱۳۷۸، اقتصاد کشور با اثرات تورمی ناشی از کسری بودجه دولت در پایان سال ۱۳۷۷ و آثار تأخیر انبساط پولی ماه‌های پایانی این سال مواجه بود.

با اجرای سیاست‌های اصلاحی در زمینه‌های پولی و ارزی از ابتدای سال ۱۳۷۸ و افزایش مستمر قیمت نفت در بازارهای جهانی، از اوایل این سال وضع مالی دولت و به‌طور کلی اقتصاد کشور در سال ۱۳۷۸ در مقایسه با سال قبل بهبود یافت.

دکتر محسن نوربخش با اصلاح ارقام اعلام شده در نشریه «نماگرهای اقتصادی» گفت: در سال ۱۳۷۸ تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ از رشدی به میزان ۳/۲ درصد برخوردار شد که در مقایسه با سال قبل (۱/۸ درصد) حاکی از رونق نسبی فعالیت‌های اقتصادی بوده است. رشد مزبور حاصل بهبود تولید در تمامی بخش‌های اقتصادی به‌جز بخش کشاورزی بوده است که ارزش افزوده آن به دلیل خشکسالی و در نتیجه تقلیل تولید اقلام عمده زراعی با کاهش روبه‌رو بوده است.

گزارش نشریه «نماگرهای اقتصادی» رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ در سال ۱۳۷۷ را به میزان ۲/۱ درصد و در سال ۱۳۷۸ به میزان ۲/۴ درصد نشان می‌دهد.

دکتر نوربخش در مجمع عمومی بانک‌ها گفت: رشد ارزش افزوده در بخش صنایع و معادن در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۷۷ نشانگر بهبود وضع تولید بوده است. سیاست‌های اعتباری متعددی که طی سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷

به مرحله اجرا گذاشته شد، از طریق ایجاد رونق در فعالیت‌های بخش ساختمان و مسکن، روند مثبت ارزش افزوده در بخش ساختمان که در سال ۱۳۷۷ به دلیل رکود فعالیت‌های ساختمانی با ۱۰/۶ درصد کاهش روبه‌رو بود، در سال ۱۳۷۸ با معادل ۱۲ درصد رشد همراه شد.

نوربخش از تحولات قابل توجه در سال ۱۳۷۸ به معکوس شدن روند نزولی حجم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی اشاره کرد و گفت: بر اساس نتایج حساب‌های ملی از رشدی حدود ۸/۲ درصد برخوردار شده است. با رشد سریع‌تر تشکیل سرمایه نسبت به هزینه‌های مصرفی، اعم از خصوصی و دولتی در این سال، سهم هزینه‌های مصرفی از هزینه‌های داخلی تا حدودی کاهش یافت.

ریس کل بانک مرکزی، یکی از موفقیت‌های دولت را مهار تورم ذکر کرد و افزود: علی‌رغم فشارهای سنگین وارده بر اقتصاد کشور در سنوات قبل از سال ۱۳۷۸، دولت در مهار تورم موفق بوده است و متوسط نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که در سه‌ماهه اول سال ۱۳۷۸ تحت تأثیر اثرات تأخیری اوضاع نامطلوب تراز پرداخت‌ها و رشد نقدینگی در سال قبل، روبه افزایش بود، در پایان سال در سطح ۲۰/۴ درصد محدود شد.

بر اساس آمار منتشره در نشریه «نماگرهای اقتصادی»، رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سه‌ماهه اول سال جاری به ۱۲/۹ درصد و در سه‌ماهه دوم به ۱۳/۴ درصد رسید. انتظار می‌رود تا پایان سال جاری در سطح ۱۵ درصد باقی بماند که از رشد ۲۰/۴ درصدی سال ۱۳۷۸ کمتر خواهد بود. در این صورت دولت ضمن رونق‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، تا حدودی توانسته

است از فشارهای تورمی بکاهد. نوربخش یکی از توفیق‌های اقتصاد کشور در سال گذشته را روند فزاینده فعالیت‌های بورس اوراق بهادار تهران دانست و گفت: این روند از سال ۱۳۷۷ آغاز شده بود و در سال ۱۳۷۸ شدت بیشتری یافت و با وجود کاهش معاملات بورس از نظر تعداد، به میزان ۲/۴ درصد، ارزش معاملات با افزایش قابل توجه ۶۵/۴ درصدی نسبت به سال ۷۷ روبه‌رو شد.

کارشناسان اقتصادی، یکی از معیارهای رونق فعالیت‌های اقتصادی را رونق معاملات سهام و افزایش ارزش این معاملات می‌دانند. به‌طور کلی رونق معاملات بورس، معمولاً با تأخیر زمانی کوتاه با رونق تولید ناخالص داخلی یا رشد اقتصادی در اقتصادهای مبتنی بر بازار قابل مشاهده است و برعکس سقوط بازار سهام نیز معمولاً با اعلام افت آمارهای عملکرد فعالیت اقتصادی تفاوت زمانی کوتاهی دارد.

به عبارتی، رونق بورس نشانه بارز رونق فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌باشد. با این وصف افزایش ارزش معاملات سهام در بورس تهران و نیز آمارهای عملکرد اقتصادی همخوانی دارد و نشانه‌های بروز رونق در اقتصاد کشور ملموس است.

در این صورت، نمی‌توان گفت که هنوز اقتصاد ایران در رکود به‌سر می‌برد، بلکه دوره رونق آغاز شده و میزان پایداری آن به رشد سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا، افزایش و تنوع درآمدهای ارزی و کاهش اتکا به ارز حاصل از صادرات نفت و ایجاد فضای امن و مطمئن برای رونق سرمایه‌گذاری، بستگی خواهد داشت.

